

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال هشتم ♦ شماره ۳۰ ♦ تابستان ۱۳۹۷  
صفحات: ۳۶- ۱۷ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵



## بررسی اتهام ابن تیمیه درباره بیزاری شیعیان از

### صحابه

وحید خورشیدی\*

#### چکیده

متهم کردن شیعه به بیزاری بودن از صحابه، سابقه‌ای طولانی دارد؛ اما کسی که بیش از همه به این اتهام دامن زده، ابن تیمیه است. وی با عبارتهای مختلف شیعه را متهم کرده که به بیشتر صحابه بی‌مهری و بی‌احترامی می‌کنند و صرفاً عده انگشت‌شماری از اصحاب پیامبر ﷺ، نزد آنان از احترام برخوردار هستند. این در حالی است که اصحاب برگزیده، که تعداد آنان نیز زیاد است، نزد شیعه تجلیل شده و مورد تکریم قرار گرفته‌اند و بزرگان شیعه نیز احترام خاصی برای صحابه قائل‌اند؛ تا جایی که برای آنان مقام شفاعت را نیز اثبات می‌کنند. در کتاب‌های رجالی شیعه نیز عده فراوانی از آنها توثیق شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** صحابه، ابن تیمیه، شیعه، بیزاری از صحابه.

---

\* پژوهشگر مؤسسه دار الإعلام لمدرسة أهل البيت ﷺ.

ایمیل: khorshid313@gmail.com

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که از دیرباز بین شیعه و اهل سنت مورد اختلاف بوده است، مسئله جایگاه، منزلت و عدالت صحابه بین آنهاست. اهل سنت جایگاه خاصی برای صحابه قائل شده‌اند و حتی برخی از آنان نه تنها به عدالت تمام صحابه اعتقاد دارند، بلکه تا مرز عصمت نیز مقام آنان را بالا برده‌اند؛ اما در مقابل، شیعه دیدگاه متفاوت و میانه‌ای را در این خصوص برگزیده است. از نظر شیعه، که همان روش قرآنی است، صرف «صحابی بودن» دلیل بر عدالت یا فضیلت نیست، بلکه «کردار و رفتار صحابه» معیار است. ابن تیمیه با نادیده گرفتن دیدگاه واقعی شیعه در خصوص صحابه، آنان را به بی‌احترامی و بیزاری از اکثر صحابه متهم کرده است. در این نوشتار، با تکیه بر روایات و متون دینی و دیدگاه بزرگان شیعه، این اتهامات و شبهات ابن تیمیه بررسی و نقد می‌شود تا دیدگاه و جایگاه صحابه نزد شیعه روشن شود.

## «صحابه» از نگاه شیعه

از آنجا که تعریف خاصی برای واژه «صحابه» و «اصحاب» در قرآن و روایات بیان نشده و از خود پیامبر ﷺ نیز در این باره بیانی نرسیده است، باید در تعریف «صحابه»، به معنای لغوی آن اعتماد کرد، که همان مصاحبت و همراهی است. علمای شیعه نیز به دور از هر نوع ذهنیت، و با بهره‌گیری از معنای لغوی و موارد به کارگیری واژه صحابه در قرآن و روایات، تمام کسانی را که با پیامبر ﷺ مصاحبت و هم‌نشینی داشته‌اند، از صحابه به شمار می‌آورند. حتی با نگاهی دیگر می‌توان گفت کسانی را نیز در بر می‌گیرد که از نظر فکری و اعتقادی همراه پیامبر ﷺ باشند ولی حضور فیزیکی در کنار ایشان نداشته باشند؛ از این رو، «صحابه» و «صاحب» شامل افراد مؤمن، عادل، فاسق و منافق نیز می‌شود. شاهد این مدعا آیات و روایاتی است که درباره این افراد کلمه «صحابه» به کار برده شده است.<sup>۱</sup>

۱. در خصوص معنای «صحابه» در دیدگاه شیعه، نک: رجعی، حسین، پیامدهای نظریه عدالت صحابه، بخش تعریف صحابه در شیعه.

البته شهید ثانی تعریفی اصطلاحی از «صحابه» ارائه داده است که به تعریف اهل سنت از این واژه مشابهت دارد و مورد مناقشه است. وی می‌نویسد:

صحابی کسی است که پیامبر ﷺ را ملاقات کرده در حالی که به پیامبر ﷺ مؤمن بوده و مسلمان از دنیا رفته است؛ هرچند بعد از ایمان مرتد شده باشد و دوباره برگشته و در حال اسلام از دنیا رفته باشد. این معنا اظهر است. مراد از ملاقات [پیامبر ﷺ] اعم است از مجالست و همراهی با ایشان، و رسیدن یکی به حضور دیگری؛ هرچند با پیامبر ﷺ حرفی نزنند یا ایشان را نبینند.<sup>۱</sup>

سپس در ادامه می‌نویسد:

تعبیری که ما گفتیم، مبنی بر اینکه آن فرد پیامبر ﷺ را «ملاقات» کند، سزاوارتر است از اینکه بگوییم آن حضرت را ببیند؛ زیرا با تعبیر «دیدن» به جای ملاقات، افراد نابینا از تعریف صحابه خارج خواهند شد. مثل ابن ام‌مکتوم که نابینای مادرزاد بود ولی همه قبول دارند که او از صحابی است.<sup>۲</sup>

تعریف شهید ثانی برگرفته از همان تعریف ابن حجر است که در بین اهل سنت مشهور است. ابن حجر صحابی را این‌گونه تعریف می‌کند: «الصحابي من لقي النبي ﷺ مؤمناً به و مات على الإسلام».<sup>۳</sup> بعد از شهید ثانی، قاضی نورالله شوشتری نیز شبیه همین عبارت را در کتاب الصوارم المهرقة في نقد الصواعق المحرقة نقل کرده و در حاشیه کتاب بحار الأنوار نیز نقل شده است.<sup>۴</sup>

در خصوص این تعریفی که ریشه آن به تعریف اهل سنت از این واژه باز می‌گردد، باید متذکر شد:

**اولاً:** بزرگان اهل سنت این تعریف را زیر سؤال برده‌اند؛ به‌عنوان مثال مقبلی، یکی از علمای اهل سنت، معتقد است که این اصطلاح دلیل شرعی ندارد و از اختراعات است.<sup>۵</sup>

۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، الرعاية في علم الدراية، ص ۳۳۹.

۲. همان، ص ۳۳۹.

۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة في تمييز الصحابة، ج ۱، ص ۶.

۴. شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین، الصوارم المهرقة في نقد الصواعق المحرقة، ص ۶.

۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۸.

۶. مقبلی، صالح، العلم الشامخ في تفضيل الحق على الآباء و المشايخ، ص ۶۸۸.

این همان چیزی است که بزرگان و محققان شیعه نیز بر این باور هستند و صحابه را در اصطلاح، به همان معنای لغوی، یعنی معاشرت و ملازمت،<sup>۱</sup> تعریف کرده‌اند؛ چنان‌که علامه عسگری نیز همین معنا را در خصوص تعریف شیعه از صحابه ارائه می‌دهد و می‌نویسد استعمال لفظ «اصحاب رسول الله ﷺ» در زمان خود پیامبر ﷺ، از باب تسمیه نبوده است، بلکه از باب مضاف و مضاف‌الیه بوده است؛ همانند آنچه در قرآن آمده و به معنای «همراه» به کار گرفته شده است؛ مثل «يا صاحِبِي السَّجْنِ» و «أَصْحَابُ مُوسَى». وی بیان می‌کند که اهل سنت بعدها «اصحاب رسول الله ﷺ» را به صحابی و اصحاب نامگذاری کردند و این نامگذاری نیز یک اصطلاح متشرعه است که مسلمانان اختراع کردند و اصطلاحی شرعی نیست.<sup>۲</sup>

**ثانیاً:** آیات مختلفی در قرآن وجود دارد که از همراهی مؤمن و کافر،<sup>۳</sup> دو هم‌سفر،<sup>۴</sup> دو رفیق، و همچنین فرزند مؤمن و والدین مشرک،<sup>۵</sup> با لفظ «صحاب» یا «صاحب» یاد شده است، که به معنای مصاحبت یا معاشرت است و تفاوتی ندارد که آنها با یکدیگر هم‌فکر یا هم‌عقیده باشند یا نباشند؛ لذا تعریف اصطلاحی با آیات قرآن منافات دارد.

**ثالثاً:** این تعریف با روایات شیعه و سنی نیز منافات دارد؛ زیرا لفظ «صحابه» حتی بر غیرمؤمنان مانند منافقان زمان پیامبر ﷺ،<sup>۶</sup> و حتی بر افرادی که بعدها به دنیا آمده و حضرت را ندیده‌اند نیز اطلاق شده است. خود پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «برخی اصحاب من، بعد از من به دنیا می‌آیند که مرا نیز ندیده‌اند».<sup>۷</sup> در برخی روایات، رسول خدا ﷺ به

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۷۵، ماده «صحاب».

۲. عسگری، مرتضی، معالم المدرستین، ج ۱، ص ۱۱۷؛ ج ۱، ص ۱۴۰.

۳. سوره کهف، آیات ۳۴ و ۳۷.

۴. سوره نساء، آیه ۳۶.

۵. سوره لقمان، آیه ۱۵: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفٌ»؛ (و اگر [آن دو] تلاش کنند که تو [را وادار نمایند] بر [اینکه] چیزی را که هیچ علمی به [خدا بودن و ربوبیت] آن نداری شریک من قرار دهی، از آنان اطاعت مکن؛ ولی در دنیا با آن دو نفر به شیوه‌ای پسندیده معاشرت کن). در این آیه شریفه کلمه «صاحب» به «فرزند مؤمن با وجود پدر و مادر مشرک» تعبیر شده است.

۶. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۹۰.

۷. «إن من أصحابي من لا يراني». (همان، ج ۶، ص ۳۰۷).

اهل بیت خویش «اصحابی» نیز می‌گفتند.<sup>۱</sup> این نشان می‌دهد به‌صرف همراهی با پیامبر ﷺ، نمی‌شود عنوان «صحابه» را بر فردی اطلاق کرد.

**رابعاً:** ملاک فضیلت و ارزش صحابه در آیات و روایات، ویژگی‌ها و خصوصیات آنهاست، نه صرف «صحابی بودن». در ادامه، به برخی از این روایات اشاره خواهد شد. با وجود این، نمی‌توان تعریف اصطلاحی جامعی برای «صحابه» پیدا کرد، مگر اینکه قائل شویم مراد از «صحابه» در اصطلاح، همان معنای لغوی آن است. همچنین با نگاه به روایات، گاهی به افرادی نیز که پیامبر ﷺ را ندیده‌اند، «صحابه» اطلاق می‌شود؛ برخلاف آن چیزی که در تعریف صحابه نقل شده و ملاک اطلاق صحابی را «ملاقات» دانسته است.

### اتهام‌های ابن تیمیه به شیعیان در خصوص بیزاری آنان از صحابه

ابن تیمیه با عناوین و عبارت‌های مختلفی شیعه را متهم می‌کند که آنها از بیشتر صحابه بیزاری می‌جویند و به آنها ابراز بی‌مهری می‌کنند. وی معتقد است نه تنها صحابه جایگاه و احترامی نزد شیعه ندارند، بلکه آنان با اصحاب رسول خدا ﷺ کینه و دشمنی نیز دارند. او در این خصوص می‌گوید:

و هم بیرأون من جمهور هؤلاء بل یتبرأون من سائر أصحاب رسول الله ﷺ إلا نفرأ  
قلیلاً نحو بضعة عشر؛<sup>۲</sup>

شیعیان از جمهور آنها [یعنی صحابه‌ای که در بیعت رضوان با پیامبر ﷺ بیعت کردند] تبری می‌جویند، بلکه از سایر اصحاب رسول خدا ﷺ نیز بیزاری می‌جویند، مگر از عده خیلی کمی.<sup>۳</sup>

در جای دیگر نیز می‌گوید صحابه مورد مدح شیعیان، فقط ده نفر هستند.<sup>۴</sup> وی

۱. «و من أصحابك قال أهل بیته». (صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۳۱).

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة، ج ۱، ص ۳۹.

۳. جوهری «بضعة» را مابین سه تا نه می‌داند؛ لذا وقتی «بضعة عشر» گفته می‌شود؛ یعنی کمتر از ده. (جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۸۶).

البته برخی نیز عدد ده به بالا تا بیست را «بضعة عشر» می‌گویند. (بیهقی، احمد بن حسین، معرفة السنن و الآثار، ج ۵، ص ۵۲۰).

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۴۷۰.

همچنین می‌نویسد شیعیان تمام صحابه به جز ده نفر را مورد طعن قرار داده‌اند،<sup>۱</sup> نسبت به صحابه محبت ندارند و برای آنها طلب مغفرت نمی‌کنند<sup>۲</sup> و نسبت به آنها بغض دارند.<sup>۳</sup> او همچنین شیعیان را به یهود و نصارا تشبیه می‌کند و می‌نویسد: «این دو بر شیعیان برتری دارند؛ چون آنها بهترین مردم را اصحابِ موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام می‌دانند، ولی شیعیان بدترین امت را اصحابِ رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانند و به آنها ناسزا می‌گویند».<sup>۴</sup>

خلاصه سخن ابن تیمیه این است که غیر از عده معدودی از صحابه، که آمار آنها به بیست نفر هم نمی‌رسد، بقیه اصحابِ رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ جایگاه و ارزشی نزد شیعیان ندارند.

### پاسخ به این اتهامات

در ادامه، به اتهامات ابن تیمیه در خصوص جایگاه نداشتن صحابه نزد شیعه و اتهام تبری شیعه از صحابه پاسخ داده می‌شود.

### پاسخ اول: تعداد صحابه مورد تمجید از نظر شیعه

اگر کسی اندک آشنایی با منابع شیعیان داشته باشد، متوجه می‌شود که سخنان ابن تیمیه کاملاً بی‌اساس و دور از واقعیت است و تهمتی بیش نیست. ابن تیمیه به شیعه تهمت می‌زند که شیعه فقط تعداد انگشت‌شماری از صحابه را قبول دارد و از بقیه صحابه تبری می‌جوید. این مطلب اتهام و دروغی بیش نیست؛ زیرا از نظر شیعه، صحابه‌ای که مورد تأیید شیعه و ائمه اطهار علیهم السلام هستند، دوازده هزار نفرند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

كان أصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله اثني عشر ألفاً. ثمانية آلاف من المدينة، وألفان من مكة، وألفان من الطلقاء، ولم ير فيهم قدری و لا مرجی و لا حروری و لا معتزلی، و لا صحاب رأي، كانوا يبكون الليل والنهار ويقولون: «اقبض أرواحنا من قبل أن

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۰۶.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۲۰، ص ۱۰۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۵۴.

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة، ج ۱، ص ۲۷.

نأكل خبز الخمير»؛<sup>۱</sup>

اصحاب رسول خدا ﷺ دوازده هزار نفر بودند که هشت هزار نفر از مدینه، دو هزار نفر از مکه، دو هزار نفر از طلقاء (آزادشده‌های فتح مکه). حتی یک نفر از آنها قدری، مرجئی، حروری، معتزلی و اهل رأی نبوده است. شب و روز خدا را عبادت می‌نمودند و گریه می‌کردند و می‌گفتند: «خدا یا، روح ما را قبض کن، قبل از زمانی که ما نان گندم بخوریم».

محدث نوری نیز این روایتِ شیخ صدوق را نقل کرده و آن را صحیح دانسته است.<sup>۲</sup> علامه مجلسی ذیل باب «فضل المهاجرین و الأنصار و سائر الصحابة و التابعین و جمل أحوالهم»، بعد از ذکر آیات فراوان در خصوص فضایل صحابه، این روایت را به‌عنوان فضایل آنان نقل کرده است.

لازم است یادآوری شود که ۱۵۰۰ نفر<sup>۳</sup> از اصحاب پیامبر ﷺ، که ۸۰ نفر از آنها اهل بدر بودند، و در نقلی از اهل سنت، بیش از ۸۰۰ نفر از صحابه،<sup>۴</sup> که ۱۳۰ نفر از آنها نیز اهل بدر بودند، در رکاب امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ جمل شرکت داشتند. مسعودی در خصوص شرکت صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ صفین نیز می‌نویسد: «از کسانی که در جنگ صفین علی علیه السلام را همراهی کردند، ۸۷ نفر از اهل بدر بودند. همچنین اصحابی که در زیر شجره با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردند، ۹۰۰ نفر بودند و همه صحابه‌ای که همراه امیرمؤمنان بودند، به ۲۸۰۰ نفر می‌رسیدند».<sup>۵</sup> در جنگ صفین تعداد زیادی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. طبق نقل ابن جوزی، فقط ۲۵ نفر از اصحاب بدر در این جنگ در رکاب امیرمؤمنان علی علیه السلام به شهادت رسیده‌اند. وی می‌گوید: «در جنگ صفین هفتاد هزار نفر کشته شدند که ۴۵ هزار نفر از آنها اهل شام، ۲۵ هزار نفر از آنها اهل عراق بودند که در بین آنها ۲۵ نفرشان از اصحاب بدر بودند».<sup>۶</sup> از

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ص ۶۳۹.

۲. محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص ۲۱۲.

۳. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۷۲۷.

۴. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الإسلام، ج ۳، ص ۴۸۴.

۵. مسعودی، علی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۶۱.

۶. ابن جوزی، ابوالفرج، المنتظم فی تاریخ الملوك و الأمم، ج ۵، ص ۱۲۰.

جمله این صحابه که در صفین کشته شدند، می‌توان به این افراد اشاره کرد: عمار یاسر،<sup>۱</sup> خزیمه ذوالشهادتین،<sup>۲</sup> ابوفضاله انصاری،<sup>۳</sup> هاشم بن عتبّه،<sup>۴</sup> سهیل بن عمرو انصاری،<sup>۵</sup> عبدالله بن بدیل و برادرش،<sup>۶</sup> عبدالله بن کعب،<sup>۷</sup> ابوعمره انصاری،<sup>۸</sup> ابوحازم بجلی،<sup>۹</sup> محمد بن سلیمان بن رفاعه،<sup>۱۰</sup> جندب بن زهیر،<sup>۱۱</sup> سعد بن حارث،<sup>۱۲</sup> عبدالله بن ارقم<sup>۱۳</sup> و یعلی بن امیه.<sup>۱۴</sup>

بنابراین، تعداد صحابه مورد تکریم شیعه بیش از آن چیزی است که ابن تیمیه گفته است و این صحابه کسانی بودند که به انحراف کشیده نشدند و جزء جریان‌هایی مانند مرجئه و اهل‌رأی نبودند؛ هرچند از نظر درجه ایمان و تقوا با یکدیگر متفاوت بودند. در روایات فراوانی نیز این صحابه مورد لطف و محبت قرار گرفته و مدح شده‌اند.<sup>۱۵</sup>

### پاسخ دوم: عدم دلالت تکریم تعداد خاصی از صحابه، بر بیزاری از بقیه آنان

برخی سخنان ابن تیمیه ناظر بر یک سری روایات شیعه است که در آنها عده‌ای از اصحاب مانند سلمان، ابوذر و مقداد مورد تمجید قرار گرفته‌اند و به محبت به آنها امر شده است.<sup>۱۶</sup> ابن تیمیه از این موارد چنین برداشت کرده است که شیعه از بقیه صحابه

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۹۹.
۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۴۸.
۳. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الإستیعاب فی معرفة الأَصحاب، ج ۴، ص ۱۷۲۹.
۴. ابن حبان، محمد، الثقات، ج ۳، ص ۴۳۷، ش ۱۴۲۸.
۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الإستیعاب فی معرفة الأَصحاب، ج ۲، ص ۶۶۹.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۲۱.
۷. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الإستیعاب فی معرفة الأَصحاب، ج ۳، ص ۹۸۱.
۸. همان، ج ۱، ص ۱۷۵.
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۷، ص ۸۲، ش ۹۷۲۶.
۱۰. همان، ج ۶، ص ۱۵، ش ۷۷۸۱.
۱۱. اصفهانی، ابونعیم، معرفة الصحابه، ج ۲، ص ۵۸۰.
۱۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۳، ص ۵۰، ش ۳۱۳۸.
۱۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۱۱.
۱۴. وی در جنگ جمل در کنار اهل جمل علیه حضرت علی علیه السلام جنگید؛ اما بعد از پی بردن به حقانیت آن حضرت، به ایشان پیوست و در جنگ صفین به شهادت رسید. (ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۶، ص ۶۸۵).
۱۵. سید رضی، محمد، نهج البلاغه (للصیحی صالح)، ص ۱۴۳.
۱۶. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ مِنْ أَصْحَابِي». (ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ص ۲۵۴).



بیزاری می‌جوید. اما باید به این نکته توجه داشت که اگر برخی صحابه مورد تکریم و تمجید بیشتر واقع می‌شوند، در حقیقت به مقام، جایگاه خاص و فضیلت بیشتر آن افراد اشاره دارد که در روایات فراوان از منابع اهل سنت نیز به این مسئله اشاره شده است؛ تا آنجا که خود پیامبر ﷺ نیز مأمور به محبت به این صحابه شده است. حضرت رسول ﷺ فرمودند: «خدا مرا مأمور کرده است تا چهار نفر را دوست داشته باشم: علی علیه السلام، ابوذر، مقداد و سلمان».<sup>۱</sup>

اگر برخی اصحاب مورد تکریم یا محبت بیشتر قرار می‌گیرند، دلیل بر این است که آنها از فضلا، کبار و از برگزیده‌شدگان هستند<sup>۲</sup> و این ابراز محبت بیشتر به برخی صحابه، دلیل بر بیزاری از سایر صحابه‌ای نمی‌شود که رتبه آنها از نظر درجه ایمان یا تقوا پایین‌تر است. کسی نمی‌تواند بر اساس روایت ذکر شده ادعا کند که پیامبر ﷺ فقط این چهار نفر را دوست داشتند و از بقیه دوری می‌کردند!

### پاسخ سوم: جایگاه صحابه در کتب رجالی شیعه

با نگاه به کتب رجالی شیعه، به وضوح مشخص می‌شود که صحابه زیادی مدح و توثیق شده‌اند که همین امر، نشان از اعتماد به این افراد دارد. علامه حلی در قسم اول رجال خود، که روایات آنها مورد اعتماد اوست،<sup>۳</sup> نزدیک به دویست نفر از اصحاب را ذکر می‌کند که قابل اعتماد هستند.<sup>۴</sup> در همان صفحه اول کتاب، یعنی «باب الأول ابراهیم و فیه ثمانیة و عشرون رجلاً»، از ابراهیم ابورافع، آزادشده پیامبر ﷺ، به عنوان ثقه نام می‌برد و در چند صفحه بعد، اویس بن ثابت، اسعد بن زراره، آلسه (غلام پیامبر ﷺ)، ارقم بن ابی‌الارقم مزونی، پسر ام‌ایمن، ایمن بن ام‌ایمن، انس بن حارث، انس بن معاذ، براء بن مالک انصاری (برادر انس بن مالک)، براء بن معرور، براء بن عازب، بشیر بن عبدالمنذر، بشیر بن سعد، بشیر بن ابی‌مسعود، برید اصلمی، بلال، ثابت بن قیس شمایل، ثابت بن

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۵۶.

۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۴۸۱.

۳. علامه حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلی، ص ۲.

۴. همان، ص ۲ تا ۱۹۷.

ضحاک، ثابت بن زید، ثابت البنانی، جابر بن عبدالله انصاری، جندب، جریر بن عبدالله بجلی، حمزة بن عبدالمطلب، حرث بن هشام، حرث بن انس، حرث بن نعمان و حرث بن قیس را ذکر کرده است که اینها همه صحابی هستند و در ادامه، نام بقیه صحابه را نیز ذکر می‌کند.<sup>۱</sup> مامقانی نیز حدود پانصد نفر از صحابه توثیق شده را در کتاب تنقیح المقال فی علم الرجال ذکر کرده است. در کتاب معجم رجال الحدیث آیت الله خوبی نیز موارد زیادی از اصحاب پیامبر ﷺ به چشم می‌خورد که به‌عنوان افراد قابل اعتماد در نقل روایات ذکر شده‌اند.

با ذکر این همه صحابه مورد اطمینان در کتاب‌های رجالی شیعه، بی‌اساس بودن سخن ابن تیمیه مبنی بر اینکه صحابه مورد اعتماد شیعه کمتر از ده یا کمتر از بیست نفر است و شیعیان بیشتر صحابه را قبول ندارند، آشکار می‌شود.

### پاسخ چهارم: مقام و منزلت صحابه نزد بزرگان شیعه

از نظر بزرگان شیعه، صحابه نقش بسزایی در نصرت دین اسلام و نشر معالم اسلام داشتند تا آنجا که مقام و جایگاه رفیعی برای آنها قائل‌اند؛ برخلاف آن چیزی که امثال ابن تیمیه و پیروان وی القا می‌کنند مبنی بر اینکه صحابه نزد شیعه جایگاهی ندارد. اقوال بزرگان شیعه را در این خصوص ذکر می‌کنیم تا روشن شود که دیدگاه شیعه درباره صحابه چیست.

#### ۱. شیخ طوسی و طلب شفاعت از صحابه

شیخ طوسی در کتاب التبیان مقام شفاعت را برای صحابه ثابت می‌کند و می‌گوید: «و الشفاعة ثبت عندنا للنبي ﷺ و کثیر من أصحابه و لجميع الأئمة المعصومین و کثیر من المؤمنین الصالحین»؛<sup>۲</sup> (ما شفاعت را برای پیامبر ﷺ و برای بسیاری از اصحاب حضرت، و برای تمام ائمه معصومین علیهم‌السلام و برای بسیاری از مؤمنان صالح ثابت می‌دانیم).

۱. همان.

۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر قرآن، ج ۱، ص ۲۱۴.

## ۲. طبرسی و مقام شفاعت برای صحابه برگزیده

مرحوم طبرسی نیز اصحاب برگزیده رسول اکرم ﷺ را صاحب مقام شفاعت می‌داند و می‌گوید: «نزد ما، شفاعت برای پیامبر ﷺ، اصحاب برگزیده، ائمه علیهم السلام و صالحان مؤمن، ثابت است»<sup>۱</sup>.

## ۳. پدر شیخ بهایی و فقدان سب صحابه در مذهب شیعه

شیخ عزالدین، که پدر شیخ بهایی و از بزرگان فقه و حدیث است، به صراحت بیان می‌کند: در مذهب ما وجوب سب صحابه مطرح نیست. برخی عوام الناس متعصب هستند که صحابه را سب می‌کنند؛ اما حتی یک نفر از علمای ما بیان نکرده که سب صحابه واجب است. کتاب‌های ایشان موجود است. می‌توانید مراجعه کنید.<sup>۲</sup>

## ۴. سیدعلی خان شیرازی و تقرب به خدا با حب صحابه

سیدعلی خان شیرازی، از علمای بزرگ شیعه و صاحب کتاب ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین علیهم السلام، در کتاب الدرجات الرفیعة از صحابه این چنین تمجید می‌کند:

ما هرکدام از صحابه را که عدالت و ایمانش برای ما معلوم باشد و وصیت پیامبر ﷺ در حق اهل بیت ایشان ﷺ را مراعات کرده باشد و بر همان حال از دنیا رفته باشد، مثل سلمان و ابوذر و عمار، دوست داریم و به واسطه حب اینها، به خداوند تقرب می‌جوئیم. اما اگر هرکدام از صحابه به دوران گذشته جاهلی برگردد و عداوت و دشمنی خود را با اهل بیت پیامبر ﷺ آشکار سازد؛ ما نیز به خاطر خداوند با او عداوت و دشمنی خواهیم داشت و از آنها تبری می‌جوئیم. بدان که بسیاری از اصحاب پیامبر ﷺ به ولایت امیر مؤمنان علیهم السلام بازگشتند.<sup>۳</sup>

در ادامه نیز وی به همراهی صحابه با امیر مؤمنان علیهم السلام در جنگ‌ها و شهادت عدّه

۱. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲. ابن عطیه، مقاتل، المناظرات بین فقهاء السنة و فقهاء الشیعة، ص ۷۷.

۳. «حکم الصحابة عندنا في العدالة حکم غیرهم، و لا يتحتم الحكم بالایمان و العدالة بمجرد الصحة و لا يحصل بها النجاة من عقاب النار و غضب الجبار إلا أن يكون مع یقین الإیمان و خلوص الجنان، فمن علمنا عدالته و ایمانه و حفظه وصیة رسول الله ﷺ في أهل بيته، و إنه مات على ذلك كسلمان و أبي ذر و عمار و إلیناه و تقرینا إلى الله تعالی بحبه». (مدنی شیرازی، سیدعلی خان، الدرجات الرفیعة في طبقات الشیعة، ص ۱۱ و ۳۹).

زیادی از آنها در رکاب آن حضرت، اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

۵. سیدمحسن امین و احترام صحابه به خاطر عدالت و شرافت همراهی با پیامبر ﷺ  
علامه سیدمحسن امین بعد از ذکر این نکته که حکم صحابه در خصوص عدالت مانند حکم غیر صحابه است، بیان می‌کند که نمی‌توان به صرف صحابی بودن، دیدار با پیامبر ﷺ، ایمان آوردن به حضرت و همچنین مُردن با دین اسلام، حکمی قطعی درباره آنها جاری ساخت؛ چراکه یقین داریم صحابه دارای عصمتی نبودند که مانع از صدور گناه از آنان باشد؛ از این رو، هرکس که به عدالت او آگاه باشیم، به عدالتش حکم می‌کنیم و روایتش را قبول کرده و به خاطر شرافتی که به واسطه هم‌نشینی با رسول خدا ﷺ، یاری اسلام، و جهاد در راه خدا داشته است، او را احترام و تکریم می‌کنیم. وی ادامه می‌دهد که کسی را که علم به خلاف آن داشته باشیم، مثل مروان بن حکم و مغیره بن شعبه، ولید بن عقبه، بسر بن اریطاه و همچنین بعضی از بنی امیه و یاران آنها، روایتش را قبول نمی‌کنیم، و اگر به عدالت کسی جاهل باشیم، در قبول روایت از او توقف و تأمل می‌کنیم.<sup>۲</sup>

#### ۶. علامه شرف‌الدین و دوستی صحابه عادل

مرحوم شرف‌الدین، از علمای معروف شیعه، در خصوص اعتقاد شیعه درباره صحابه پیامبر ﷺ این چنین می‌نویسد:

کسی که از دیدگاه ما درباره صحابه اطلاع داشته باشد، می‌داند که نظر ما میانه‌روترین نظرهاست؛ زیرا نه مانند غلات، که همه ایشان را تکفیر کرده‌اند، و نه مانند جمهور (= اهل سنت)، که همه ایشان را مورد اعتماد شمرده‌اند، زیاده‌روی

۱. همان، ص ۳۹.

۲. «حکم الصحابة في العدالة حكم غيرهم، و لا يتحتم الحكم بها بمجرد الصحبة، و هي... لقاء النبي ﷺ مؤمناً به، و مات على الإسلام. و إن ذلك ليس كافياً في ثبوت العدالة بعد الإثبات على عدم العصمة المانعة من صدور الذنب، فمن علمنا عدالته حكمنا بها، و قبلنا روايته، و لزمنا له من التعظيم و التوقير، بسبب شرف الصحبة و نصرة الإسلام و الجهاد في سبيل الله ما هو أهله، و من علمنا منه خلاف ذلك لم تقبل روايته، أمثال مروان بن الحكم، و المغيرة بن شعبه، و الوليد بن عقبه، و بسر بن أريطاه و بعض بني أمية و أعوانهم، و من جهلنا حاله في العدالة توقفنا في قبول روايته». (امین، سیدمحسن، أعيان الشيعة، ص ۱۱۳).

نکرده‌ایم. فرقه کاملیه و کسانی که در غلو مانند ایشان هستند، همه صحابه را کافر می‌دانند و اهل سنت نیز همه مسلمانانی را که از رسول خدا ﷺ چیزی شنیده یا ایشان را دیده باشد، عادل می‌شمردند و به حدیث تمام آنها، بدون هیچ استثنایی تمسک می‌جویند. اگرچه ما صحابه بودن را به تنهایی فضیلتی والا می‌دانیم؛ اما آن را سبب عصمت [از گناه] نمی‌دانیم. صحابه از این جهت مانند دیگران هستند که در بین آنان افراد عادل نیز دیده می‌شوند، که ایشان بزرگان و علما و اولیا در بین صحابه هستند. و در بین صحابه سرکشان نیز یافت می‌شوند که ایشان مجرمانی از منافقان هستند؛ و در بین ایشان فرد مجهول الحال نیز وجود دارد. ما به عادلان ایشان تمسک می‌جویم و ایشان را در دنیا و آخرت دوست خواهیم داشت؛ اما کسانی که بر وصی رسول خدا ﷺ و برادر وی سرکشی کردند و نیز برخی صحابه اهل گناه و جرم، مانند فرزند هند جگرخوار، فرزند نابغه، فرزند زرقاء، ابن عقبه و ابن ارقطاه، گرامی نبوده و هیچ ارزشی ندارند. درباره کسی نیز که مجهول الحال است، توقف می‌کنیم تا وضعیت وی مشخص شود. این نظر ما بود درباره صحابه‌ای که حدیث نقل کرده‌اند و غیر ایشان؛ و کتاب خدا و سنت در بین ماست و شاهد بر نظر ما؛ و این نظر ما به طور مفصل در کتاب اصول فقه آمده است.<sup>۱</sup>

## ۷. کاشف الغطا و عنوان «برترین مردم روی زمین» برای صحابه

محمد حسین کاشف الغطا در کتاب أصل الشیعة و أصولها بعد از توضیح درباره اینکه عدّه قابل توجهی از صحابه از یاران خاص حضرت علی علیه السلام و همراهان ایشان بودند و آن حضرت را امام و پیشوای خود به عنوان مُبلِّغ پیامبر صلی الله علیه و آله و مُفسّر تعلیمات و احکام ایشان می‌دانستند و از همان زمان، به نام شیعه علی علیه السلام شناخته می‌شدند، می‌نویسد:

نمی‌خواهیم بگوئیم سایر صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، که جزء این دسته خاص نبوده‌اند و اکثر یاران پیامبر صلی الله علیه و آله را تشکیل می‌دادند، خدای نکرده با پیامبر صلی الله علیه و آله مخالفت داشتند و در برابر تعلیم‌ها و ارشادهای ایشان خاضع نبوده‌اند. نه، هرگز منظور ما این نیست. حاشا که ما درباره یاران و صحابه پیغمبر صلی الله علیه و آله چنین گمانی داشته باشیم؛ در حالی که آنها در آن روز، بهترین مردم روی زمین بودند. شاید همه آنها این احادیث (احادیث درباره حضرت علی علیه السلام) را نشنیده بودند و به حقیقت معنای

۱. موسوی، شرف‌الدین، أجوبة مسائل جار الله، ص ۱۴.

آن واقف نشده بودند. در هر حال، یاران بزرگوار پیامبر اکرم ﷺ بالاتر از آن هستند که اندیشه‌های کوتاه به اوج مقام آنها برسد.<sup>۱</sup>

محقق این کتاب نیز در حاشیه‌ای بر این سخن کاشف‌الغطا، بیان می‌کند که صحابه رسول خدا ﷺ دارای فضل و درجات عظیمی بودند؛ اما در ادامه، وی با استناد به آیات و روایات، بین صحابه تفصیل قائل می‌شود: صحابه‌ای که در راه راست قدم برداشتند و منحرف نشدند و مورد تمجید هستند و صحابه‌ای که منحرف شدند و با اوامر رسول خدا ﷺ مخالفت کردند و تابع هوای نفس شدند. وی در ادامه، تفاوت دیدگاه شیعه و اهل سنت در خصوص عدالت صحابه را متذکر می‌شود و می‌گوید:

این طور نیست که تمام صحابه، نزد شیعه دارای عدالت باشند؛ چون با نگاه به تاریخ مشخص می‌شود که برخی از آنها از مفهوم عدالت اسلامی منحرف شدند. این نظریه نیز به این معنا نیست که ما مانند برخی از گروه‌ها به تمام صحابه طعن وارد کنیم.<sup>۲</sup>

#### ۸. محمدباقر صدر و عنوان «صالح‌ترین افراد» برای صحابه

وی در کتاب بحث حول الولاية، اصحاب باایمان پیامبر ﷺ را چنین توصیف می‌کند: صحابه با وصف صحابی بودن، افرادی بودند که با نورانیت ایمان و نورافشانی وجود خود طلوع کردند و بهترین و صالح‌ترین انسان‌ها برای رشد و نمو بذر امت اسلامی بودند؛ تا جایی که تاریخ انسانیت شاهد نسلی این چنین پاک‌ویاکیزه، شگفت‌انگیز و باشرف نبوده است؛ نسلی که رسول خدا ﷺ آنها را تربیت کرده است.<sup>۳</sup>

#### ۹. آیت‌الله سبحانی و همراه بودن حب صحابه با حب نبی ﷺ

آیت‌الله جعفر سبحانی، از علمای معاصر شیعه، در خصوص اعتقاد شیعه درباره احترام به صحابه چنین می‌نویسد:

محال است انسان پیامبر ﷺ را دوست داشته باشد و هم‌زمان از کسانی که جان و هستی خود را در راه رسالت ایشان فدا کرده‌اند، بغض و کینه به دل داشته باشد.

۱. کاشف‌الغطا، محمدحسین، أصل الشيعة و أصولها، ص ۱۸۷.

۲. همان، ص ۱۸۸.

۳. صدر، محمدباقر، بحث حول الولاية، ص ۷۴ و ۷۵.

انسان عاقل نمی‌تواند در قلبش دو حالت متضاد را جمع کند. اهل سنت، شیعه را به سب و دشنام متهم می‌نماید و اعتقاد آنها این است که تمام صحابه، از اولین آنها تا آخرین آنها، عادل هستند. شیعه این اعتقاد را قبول ندارد؛ بلکه معتقد است همه صحابه، تابعان و تابعان تابعان، از این جهت در یک رتبه و مرتبه قرار دارند. شیعه هیچ ملازمه‌ای میان «صحابی بودن» و «اسطوره همه خوبی‌ها بودن» ندیده تا بخواهد آنها را تا روز قیامت به‌عنوان اسوه و سرمشق بشر بداند؛ بلکه معتقد است که سرنوشت صحابه نیز همچون دیگران است. میان صحابه افرادی صالح، متقی و مخلص وجود داشت، چنان‌که میان آنها افرادی غیرصالح، شقی و منافق نیز وجود داشت، و دلایل متعددی بر این مطلب دلالت می‌کند.<sup>۱</sup>

آیت‌الله سبحانی در کتاب دیگر خود نیز تأکید می‌کند که شیعه درصدد بحث و تحقیق درباره عدالت صحابه است؛ نه دشنام آنها. ایشان تأکید می‌کنند که شیعه امامیه حرمت قائل شدن برای هم‌نشینی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مانع از بحث و مناقشه در رفتار و کردار برخی صحابه، و حکم کردن بر اساس آن نمی‌بیند و اعتقاد شیعه بر آن است که معاشرت و مصاحبت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی‌تواند سبب مصونیت از گناهان تا پایان عمر می‌شود؛ علاوه بر اینکه موضع شیعه در این خصوص برگرفته از آیات، احادیث صحیح، تاریخ قطعی، و عقل بی‌طرف و آزاداندیش است.<sup>۲</sup>

بنابراین، از نگاه بزرگان شیعه، اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله، که شروط همراهی حضرت را رعایت کرده و برخلاف دین و روش ایشان عمل نکردند و تعداد آنها نیز زیاد است، نزد شیعه دارای جایگاه والایی هستند؛ اما کسانی که اهل فسق و فجور بودند و از مسیر نبوی جدا شدند، نه تنها نزد شیعه، بلکه نزد برخی بزرگان اهل سنت و حتی وهابیت نیز جایگاهی ندارند. تفتازانی نیز به این مسئله اعتراف کرده که برخی صحابه از مسیر حق خارج گردیدند و به ظلم و فسق کشیده شدند، که انگیزه و ریشه آن نیز حقد، کینه، حسد، لجاجت و ریاست‌طلبی بوده است.<sup>۳</sup> محمد بن عقیل نیز بر این عقیده است که نمی‌توان

۱. سبحانی تبریزی، جعفر، رسائل و مقالات، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲. سبحانی تبریزی، جعفر، العقیده الإسلامية، ص ۲۹۸.

۳. تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد فی علم الکلام، ج ۲، ص ۳۰۶.

به کسی که مرتکب گناهان کبیره می‌شود، «صحابه» اطلاق کرد.<sup>۱</sup> محمود ابوریه، دانشمند و نویسنده مصری که دارای کتاب‌های مختلف و نوآوری‌های فراوانی است، در کتاب أضواء علی السنة المحمدية بعد از اعتراف به عدم عدالت تمام صحابه، بیان می‌کند که در بین اصحاب نیز منافق، فاسق، مریض‌القلب و مرتد وجود داشته است.<sup>۲</sup> همچنین البانی با توجه به مراتب صحابه، بر این باور است که نمی‌توان هرکسی را «صحابه» نامید.<sup>۳</sup>

### پاسخ پنجم: صلوات بر پیامبر ﷺ، اهل بیت علیهم السلام و صحابه در مقدمه کتاب‌های بزرگان شیعه

یکی از دلایلی که ثابت می‌کند صحابه چه جایگاه و مقامی نزد شیعه دارند، این است که علمای شیعه سخنان خود را بعد از درود بر پیامبر ﷺ و خاندان پاک ایشان ﷺ، با ذکر درود و صلوات بر صحابه برگزیده شروع می‌کردند که به‌عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

شهید اول در کتاب رسائل، این چنین بر صحابه برگزیده درود می‌فرستند: «صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَفْضَلِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ أَبِي الْقَاسِمِ حَبِيبِ اللَّهِ مُحَمَّدِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ﷺ وَ عَتْرَتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ﷺ وَ صَحْبِهِ الْأَخْيَارِ الْمُنْتَجِبِينَ». <sup>۴</sup> شهید ثانی نیز در ابتدای کتاب خود، بعد از حمد خدا و درود بر پیامبر ﷺ و خاندان ایشان ﷺ، بر صحابه برگزیده نیز درود می‌فرستند: «و أصحابه المنتجبين». <sup>۵</sup> همچنین میرزای قمی در ابتدای کتاب خود، در خصوص صحابه چنین درود می‌فرستند: «الصلاة والسلام على... و صحبه المنتجبين الكرام». <sup>۶</sup>

۱. ابن عقيل علوی، محمد، النصائح الكافية، ص ۱۶۶.

۲. ابوریه، محمود، أضواء علی السنة المحمدية، ص ۵۳۴.

۳. البانی، محمد ناصرالدین، سلسلة الأحاديث الضعيفة و الموضوعة، ج ۱، ص ۸۲.

۴. شهید اول، محمد بن مکی، رسائل الشهید الأول، ص ۳۰۹.

۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، رسائل الشهید الثاني، ج ۲، ص ۸۶۳.

۶. میرزای قمی، ابوالقاسم، رسائل الميرزا القمي، ج ۲، ص ۸۵۳.



## پاسخ ششم: اعتقاد شیعه به استحباب زیارت صحابه

بزرگان شیعه، زیارت صحابه برگزیده رسول خدا ﷺ را مستحب می‌دانند که این امر نشان از جایگاه والای صحابه نزد شیعیان دارد. کفعمی در کتاب المصباح ذیل عنوان «فی زیارة الصحابة المنتجبين» می‌نویسد: «يستحب زیارة المنتجبين من الصحابة خصوصاً جعفر عليه السلام بموتة و سلمان بالمدائن و حذيفة بها»؛<sup>۱</sup> (زیارت صحابه برگزیده، به‌ویژه جعفر عليه السلام در موته، سلمان و حذیفه در مدائن مستحب است). وی در کتاب البلد الامین و الدرع الحصین نیز شبیه این عبارت را دارد.<sup>۲</sup>

## نتیجه

برخلاف آنچه ابن تیمیه در خصوص بیزاری شیعه از اصحاب رسول خدا ﷺ و عدم احترام به آنان مطرح کرده بود، با دقت در منابع مختلف شیعه و دیدگاه بزرگان شیعه، روشن شد که تعداد صحابه مورد تکریم شیعه بیش از آن چیزی است که ابن تیمیه تصور می‌کرد. همچنین مشخص شد که از نگاه شیعه صحابه‌ای که دارای کردار خوب بودند و از مسیر حق جدا نشدند، نه تنها مورد ستایش و مدح هستند، بلکه دارای مقام شفاعت هستند و زیارت آنها نیز مستحب است؛ لذا اتهام‌های ابن تیمیه درباره بیزاری شیعیان از صحابه و بی‌احترامی به آنان بی‌اساس بوده است.

۱. کفعمی، ابراهیم، المصباح، ص ۵۰۷.

۲. کفعمی، ابراهیم، البلد الامین و الدرع الحصین، ص ۳۰۹.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، **الإستیعاب في معرفة الأصحاب**، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **مجموع الفتاوی**، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد، بی جا: دار النشر، چاپ دوم، بی تا.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **منهاج السنة النبویة**، تحقیق: محمد رشاد سالم، بی جا: مؤسسة قرطبة، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن جوزی، ابوالفرج، **المنتظم في تاریخ الملوك و الأمم**، بیروت: دار صادر، چاپ اول، ۱۳۵۸ق.
۷. ابن حبان، محمد، **الثقات**، تحقیق: سید شرف الدین، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۹۷۵م.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **الإصابة في تمييز الصحابة**، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۹. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، مصر: مؤسسة قرطبة، بی تا.
۱۰. ابن عطیه، مقاتل، **المناظرات بين فقهاء السنة و فقهاء الشيعة**، بیروت: مرکز الغدير للدراسات الإسلامية، ۱۴۱۹ق.
۱۱. ابن عقیل علوی، محمد، **النصائح الكافية**، قم: دار الثقافة، بی تا.
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **البدایة و النهایة**، بیروت: مكتبة المعارف، بی تا.
۱۳. ابوریة، محمود، **أضواء على السنة المحمدية**، مصر: دار المعارف، چاپ ششم، ۱۱۱۹ق.
۱۴. اصفهانی، ابونعیم، **معرفة الصحابة**، ریاض: دار الوطن، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۵. امین، سیدمحسن، **أعیان الشيعة**، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۱۶. البانی، محمد ناصرالدین، **سلسلة الأحادیث الضعیفة و الموضوعة**، ریاض: مكتبة المعارف، ۱۴۱۲ق.
۱۷. بیهقی، احمد بن حسین، **معرفة السنن و الآثار**، تحقیق: سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
۱۸. تفتازانی، سعدالدین، **شرح المقاصد في علم الکلام**، پاکستان: دار المعارف النعمانیة، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.

١٩. جوهرى، اسماعيل بن حماد، **الصحيح؛ تاج اللغة و صحاح العربية**، تحقيق: احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دار العلوم للملايين، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.
٢٠. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، **المستدرک على الصحيحين**، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١١ق.
٢١. ذهبى، محمد بن احمد، **تاريخ الإسلام؛ ووفيات المشاهير و الأعلام**، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: دار الكتاب العربى، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
٢٢. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، بيروت: دار القلم، چاپ اول، ١٤١٢ق.
٢٣. رجبى، حسين، **پيامدهاى نظريه عدالت صحابه**، اصفهان: مؤسسه تحقيقاتى حضرت ولي عصر عليه السلام، بى تا.
٢٤. سبحانى تبريزى، جعفر، **العقيدة الإسلامية**، قم: مؤسسه الإمام الصادق عليه السلام، چاپ اول، ١٤٩١ق.
٢٥. سبحانى تبريزى، جعفر، **رسائل و مقالات**، قم: مؤسسه الإمام الصادق عليه السلام، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٢٦. سيد رضى، محمد، **نهج البلاغه (للسبى صالح)**، تصحيح: فيض الاسلام، قم: هجرت، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٢٧. شهيد اول، محمد بن مكى، **رسائل الشهيد الأول**، تحقيق: مركز الأبحاث و الدراسات الإسلامية، بى جا: بوستان كتاب، ١٤٢٣ق.
٢٨. شهيد ثانى، زين الدين بن على، **الرعاية في علم الدراية**، تحقيق: عبدالحسين محمد على بقال، قم: كتابخانه آيت الله العظمى مرعشى نجفى، ١٤٠٨ق.
٢٩. شهيد ثانى، زين الدين بن على، **رسائل الشهيد الثانى**، تحقيق: رضا مختارى، قم: مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامى، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٣٠. شوشترى، نورالله بن شريف الدين، **الصوارم المهرقة في نقد الصواعق المحرقة**، تهران: مطبعة النهضة، چاپ اول، ١٣٦٧ق.
٣١. صدر، محمداقبر، **بحث حول الولاية**، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ سوم، ١٣٩٧ق.
٣٢. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات**، تحقيق و تصحيح: كوجه باغى، محسن بن عباس على، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ دوم، ١٤٠٤ق.
٣٣. طبرسى، فضل بن حسن، **تفسير مجمع البيان**، بيروت: مؤسسه الأعلمى، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٣٤. طوسى، محمد بن حسن، **التبيان في تفسير قرآن**، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بى تا.
٣٥. طوسى، محمد بن حسن، **الأمالى**، تحقيق: مؤسسه البعثه، قم: دار الثقافة، چاپ اول، ١٤١٤ق.

۳۶. عسگری، مرتضی، **معالم المدرستین**، تهران: مؤسسه البعثة، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق.
۳۷. علامه حلی، حسن بن یوسف، **رجال العلامة الحلی**، نجف: دار الذخائر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
۳۸. کاشف الغطا، محمدحسین، **أصل الشيعة و أصولها**، تحقیق: علاء آل جعفر، مؤسسه الإمام علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۳۹. کفعمی، ابراهیم، **المصباح**، قم: دار الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۴۰. کفعمی، ابراهیم، **البلد الأمين و الدرع الحصین**، بیروت: مؤسسه الأعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۲. محدث نوری، حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۴۳. مدنی شیرازی، سیدعلی خان، **الدرجات الرفیعة في طبقات الشيعة**، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۹۸۳م.
۴۴. مسعودی، علی، **مروج الذهب**، قم: دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۴۵. مقبلی، صالح، **العلم الشامخ في تفضيل الحق على الآباء و المشايخ**، مصر: بی نا، چاپ اول، ۱۳۲۸ق.
۴۶. موسوی، شرف الدین، **أجوبة مسائل جار الله**، صیدا: مطبعة العرفان، چاپ سوم، ۱۳۷۳ق.
۴۷. میرزای قمی، ابوالقاسم، **رسائل الميرزا القمي**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.